



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

A white dove is flying in a clear blue sky. In the upper right corner, there is a bright sun with rays and several stars of varying sizes. The overall scene is peaceful and bright.

هشام بن حکم

از اصحاب

امام صادق و امام کاظم علیہم السلام

عبدالکریم یاگ نیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هشام بن حکم از اصحاب امام صادق و امام کاظم (علیهم السلام)

نویسنده:

عبدالکریم پاک نیا

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	هشام بن حکم از اصحاب امام صادق و امام کاظم (علیهم السلام)
۷	مشخصات کتاب
۷	قرن دوم هجری عصر شکوفایی نهضت فرهنگی شیعه
۸	هشام بن حکم کیست؟
۸	سفر برای تحصیل دانش
۹	جایگاه هشام در محضر امام صادق
۹	اشاره
۹	این جوان کیست؟
۹	روح القدس تو را یاری کند
۹	مناظره‌های علمی
۹	اشاره
۱۰	هشام و مناظره با عمرو بن عبید معتزلی
۱۰	اکثریت دلیل حقانیت نیست
۱۱	خواستگاری
۱۱	هشام ترازوی امامت و الگوی شیعیان
۱۱	هشام در محضر امام کاظم
۱۱	هشام بن حکم کارگزار خصوصی امام هفتم
۱۱	امام کاظم به هشام دستور تقیه می‌دهد
۱۲	مقام علمی هشام بن حکم
۱۲	شاگردان هشام
۱۲	تألیفات هشام
۱۲	شخصیت ممتاز شیعه در معرض اتهام

- آخرین روزهای زندگی هشام بن حکم ۱۳
- منطق هشام طاغوت زمان را می‌لرزاند ۱۳
- پاورقی ۱۳
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۴

هشام بن حکم از اصحاب امام صادق و امام کاظم(علیهم السلام)

مشخصات کتاب

عنوان: هشام بن حکم از اصحاب امام صادق و امام کاظم(علیهم السلام)

پدیدآورندگان: موضوع هشامبن حکم، -۱۹۰؟ق.۴(توصیف گر)

پاک نیا، عبدالکریم، ۱۳۴۱- (پدیدآور)

امام ششم جعفر بن محمد(ع)(توصیف گر)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: اصحاب صادق (ع)

اصحاب امام باقر (ع)

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ،ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: کوثر، شهریور ۱۳۷۷، شماره ۱۸

شناسه: oai.tebyan.net/۶۲۱۶

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

قرن دوم هجری عصر شکوفایی نهضت فرهنگی شیعه

در سال ۱۳۲ هجری، رژیم خودکامه و ستمگر بنی امیه، پس از ۹۱ سال حکومت، سرانجام در آستانه‌ی سقوط قرار گرفت و با کشته شدن مروان بن محمد (۱۲۶ - ۱۳۲) منقرض شد و حکمرانان عباسی حکومت استبدادی خویش را آغاز کردند. [۱]. در چنین موقعیتی، که کشمکشهای سیاسی بنی امیه و بنی عباس به اوج خود رسیده بود، حضرت امام صادق (ع) با درایت خاص خویش نهضت علمی- فرهنگی تشیع را طرح ریزی کرد و دانشگاه عالی جعفری را بنیان نهاد. امام (ع)، با استفاده از فرصت به دست آمده حوزه‌ی علمی با عظمتی تشکیل داد و در مدتی کوتاه علاقه‌مندان دانش معارف جعفری را پیرامون خود گرد آورد. آنان مشتاقانه به دانش‌اندوزی پرداختند و از گنجینه‌ی علوم آل محمد (ص) به قدر توانایی خویش بهره‌مند شدند. به گفته‌ی شیخ مفید (ره) چهار

هزار تن از حوزه‌ی درسی آن حضرت استفاده کردند. [۲] شیخ طوسی شاگردان امام صادق (ع) را ۳۱۹۷ مرد و ۱۲ زن ذکر کرده است. [۳] امام ششم (ع) با توجه به شکوفایی دانش و به وجود آمدن مکتبهای مختلف و هجوم افکار الحادی برنامه‌ی فرهنگی خویش را در محورهای مختلف به انجام رساند. پاسخ به شبهه‌های گوناگون ضد دینی، تشکیل جلسات مناظره، نشر روایات و تعالیم اسلام، تدریس رشته‌های گوناگون علوم و تربیت شاگردان، بخشی از برنامه‌های ششمین پیشوای شیعه بود. هدف ما در این نوشتار کوتاه بررسی فراهایی از زندگی یکی از ستارگان تابناک مکتب امامت و ولایت است. این کار، در روزگاری که تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و تشیع به اوج رسیده، از وظایف ما شیعیان است تا بهترین الگوها را به جوانان ارائه دهیم و از سقوط آنها در دام الگوهای کاذب غرب پیشگیری کنیم.

هشام بن حکم کیست؟

هشام در اوایل قرن دوم هجری در کوفه دیده به جهان گشود و در شهر واسط رشد کرد و به عرصه‌ی اجتماع گام نهاد. او بعدها برای تجارت به بغداد آمد و در محله‌ی کرخ به بزازی مشغول شد. دانشمندان علم رجال می‌نویسند: هشام دو فرزند دختر و پسر داشت. فرزند پسرش، حکم، متکلم بود و در بصره می‌زیست. دخترش، فاطمه، یکی از زنان با ایمان روزگار بود. هشام همچنین برادری به نام محمد بن حکم داشت که از روایان حدیث بود و محمد بن ابی‌عمیر، راوی معروف شیعه، از او روایت نقل می‌کند. [۴] هشام از همان آغاز جوانی سری پرشور داشت و شیفته‌ی علم و معرفت بود. او، برای رسیدن به این هدف، علوم عصر خویش را آموخت، کتب فلسفی دانشمندان یونان را فرا گرفت و کتابی در رد یکی از فلاسفه‌ی یونان نگاشت. [۵]. هشام، در مسیر تکامل اندیشه‌اش، به مکتبهای گوناگون علمی عصر خویش پیوست؛ ولی هیچ مکتبی عطش حقیقت‌جویی‌اش را فرو نماند. او سرانجام به وسیله‌ی عمویش، عمیر بن یزید کوفی، با امام صادق (ع) آشنا شد و در شمار پیروان آن حضرت قرار گرفت. [۶] سیر تکاملی اندیشه هشام نشان می‌دهد که آگاهانه و بر اساس برهان عقلی تشیع را پذیرفته است. او به منظور کسب علم، تأمین معاش، مناظره، تبلیغ معارف اهل بیت (ع) و انجام مناسک حج، به شهرهای بغداد، بصره، مدائن، حجاز و کوفه سفر کرد و با برهانهای دقیق و منطقی‌اش در گسترش فرهنگ اهل بیت (ع) کوشید.

سفر برای تحصیل دانش

هشام، به عنوان یک پژوهشگر شیعی، سعی می‌کرد پرسشهای خود را با امام صادق (ع) در میان نهد و از آن حضرت پاسخ دریافت کند. داستان زیر بر درستی این سخن گواهی می‌دهد: روزی، ابن‌ابی‌العوجاء یکی از دانشمندان مخالف اسلام، پرسشی درباره‌ی تعدد زوجات مطرح کرد و گفت: قرآن از سویی در آیه‌ی سوم سوره نساء می‌گوید: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة؛ با زنان پاک مسلمان ازدواج کنید، با دو یا سه یا چهار زن؛ و اگر می‌توانید میان آنها به عدالت رفتار نکنید، پس به یک همسر بسنده کنید.» از سوی دیگر در آیه‌ی ۱۲۹ همین سوره می‌فرماید: «ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم؛ هرگز نمی‌توانید میان زنان به عدالت رفتار کنید، هر چند کوشش کنید.» با ضمیمه کردن آیه دوم به آیه اول درمی‌یابیم که تعدد زوجات در اسلام ممنوع است؛ زیرا تعدد زوجات مشروط به عدالت است و عدالت هم ممکن نیست. پس تعدد زوجات در اسلام حرام است. هشام از پاسخ باز ماند. پس از ابن‌ابی‌العوجاء فرصت خواست و برای گرفتن پاسخ به مدینه شتافت. هشام سخن ابن‌ابی‌العوجاء را برای حضرت باز گفت. امام فرمود: منظور از عدالت در آیه سوم سوره نساء، عدالت در نفقه و رعایت حقوق همسری و طرز رفتار و کردار است؛ و مراد از عدالت در آیه‌ی ۱۲۹ این سوره عدالت در تمایلات قلبی است. بنابراین تعدد زوجات در اسلام حرام نیست و با شرایطی جایز است. هشام از سفر برگشت و پاسخ را در اختیار ابن‌ابی‌العوجاء قرار داد. او سوگند

یاد کرد که این پاسخ از تو (هشام) نیست. [۷]. هشام این گونه برای کسب علم و معارف اسلام تلاش می‌کرد. امام صادق (ع) نیز متقابلاً هشام را از کوثر زلال ولایت سیراب می‌ساخت. امام در برابر پرسشهای هشام، با بردباری پاسخ می‌داد و قانعش می‌ساخت. نمونه‌هایی از این پرسش و پاسخها در کتابهای توحید صدوق و علل الشرایع دیده می‌شود.

جایگاه هشام در محضر امام صادق

اشاره

نمونه‌هایی از رفتار امام صادق (ع) با شاگرد ممتازش می‌تواند از جایگاه هشام نزد آن بزرگوار پرده بردارد: هشام از همان آغاز جوانی سری پرشور داشت و شیفته‌ی علم و معرفت بود. او، برای رسیدن به این هدف، علوم عصر خویش را آموخت، کتب فلسفی دانشمندان یونان را فرا گرفت و کتابی در رد یکی از فلاسفه یونان نگاشت.

این جوان کیست؟

آن روز یکی از شلوغ‌ترین ایام حج بود. امام صادق (ع) با گروهی از یارانش گفتگو می‌کرد. در این هنگام، هشام بن حکم که تازه به جوانی گام نهاده بود، خدمت امام رسید. پیشوای شیعیان از دیدن جوان شادمان شد، او را در صدر مجلس و کنار خویش نشانید و گرمی داشت. این رفتار امام حاضران را، که از شخصیت‌های علمی شمرده می‌شدند، شگفت‌زده ساخت. وقتی امام (ع) آثار شگفتی را در چهره‌ی حاضران مشاهده کرد، فرمود: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده؛ این جوان با دل و زبان و دستش یاور ماست.» سپس برای اثبات مقام علمی هشام درباره‌ی نامهای خداوند متعال و فروعات آنها از وی پرسید و هشام همه را نیک پاسخ گفت. آنگاه حضرت فرمود: هشام، آیا چنان فهم داری که با درک و تفکر دشمنان ما را دفع کنی؟ هشام گفت: آری. امام فرمود: نفعک الله به و ثبتک؛ خداوند تو را در این راه ثابت قدم دارد و از آن بهره‌مند سازد. هشام می‌گوید: بعد از این دعا، هرگز در بحثهای خداشناسی و توحید شکست نخوردم. [۸].

روح القدس تو را یاری کند

هشام چنان مورد توجه امام صادق (ع) بود که در یکی از روزها وی را به حضور طلبید و فرمود: درباره تو سخنی را می‌گویم که رسول خدا (ص) به «حسان بن ثابت انصاری» (شاعر معروف عصر پیامبر که با شعرش از حریم اسلام حمایت می‌کرد) فرمود. تا وقتی که ما را با زبانت یاری می‌کنی، پیوسته تو را به وسیله روح القدس تأیید کند. [۹] [۱۰].

مناظره‌های علمی

اشاره

هشام بن حکم، علاوه بر هوش سرشار و دانش وسیع، از قدرت بیان و صراحت لهجه و شهامت در مناظره برخوردار بود و با استفاده از این نعمتهای ارزشمند الهی، با دانشمندان و متفکران در مناظره شرکت می‌کرد. استادش امام صادق (ع) از شیوه‌ی مناظره و بیان وی خشنود بود و همواره او را تحسین می‌کرد. ششمین پیشوای معصوم روزی فرمود: ای هشام، با مردم سخن بگو، من دوست دارم همانند تو در میان شیعیان ما باشم. [۱۱] [۱۲]. آن بزرگوار گاه شیوه‌ی بحث هشام را می‌ستود و می‌فرمود: این گونه استدلال در صحف ابراهیم و موسی (ع) آمده است. [۱۳]. نگاهی گذرا به چند نمونه از مناظره‌های هشام برای آشنایی با مقام علمی و شیوه‌ی

بحث وی سودمند است.

هشام و مناظره با عمرو بن عبید معتزلی

یونس بن یعقوب، یکی از شاگردان برجسته‌ی امام صادق (ع) می‌گوید: در یکی از سالهایی که هشام بن حکم به سفر حج مشرف شده بود، در «منا» حضور امام صادق (ع) شرفیاب شد. حمران بن اعین، محمد بن نعمان، هشام بن سالم و دیگر بزرگان شیعه نیز در مجلس حاضر بودند. حضرت (ع) به هشام فرمود: آیا نمی‌خواهی داستان مناظره و گفتگوی خود با عمرو بن عبید را برای ما بیان کنی؟ هشام، که از همه اهل مجلس جوانتر به نظر می‌رسید، گفت: ای فرزند رسول خدا (ص)، جلالت شما مانع می‌شود؛ از شما شرم دارم و در حضورتان توان سخن گفتن در خویش نمی‌یابم. امام صادق (ع) فرمود: وقتی به شما امر می‌کنیم، اطاعت کنید. آنگاه هشام داستان مناظره‌ی خودش با عمرو بن عبید را چنین بیان کرد: به من خبر دادند که عمرو بن عبید روزها در مسجد جامع بصره با شاگردانش می‌نشیند، درباره‌ی امامت بحث می‌کند و عقیده‌ی شیعه درباره‌ی امام را بی‌اساس و باطل می‌شمارد. این خبر برایم خیلی ناگوار بود، به همین سبب به بصره رفتم. وقتی وارد مسجد جامع بصره شدم، بسیاری اطراف عمرو نشسته بودند. از حاضران تقاضا کردم اجازه دهند تا بتوانم نزدیک عمرو بنشینم. وقتی نشستم، به عمرو بن عبید گفتم: ای مرد دانشمند، من غریبم، اجازه می‌دهید چیزی بپرسم؟ گفت: آری. گفتم: آیا شما چشم دارید؟ گفت: پسر جان این چه پرسشی است، چرا درباره‌ی چیزی که می‌بینی می‌پرسی؟ گفتم: استاد عزیز پوزش می‌خواهم. پرسشهایم این گونه است، خواهش می‌کنم، پاسخ دهید. گفت: گرچه پرسشهای احمقانه است، ولی آنچه می‌خواهی بپرس. گفتم: آیا چشم دارید؟ گفت: آری. پرسیدم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: به وسیله‌ی آن رنگها و اشخاص را می‌بینم. گفتم: آیا بینی داری؟ گفت: آری. گفتم: از آن چه بهره‌ای می‌بری؟ گفت: به وسیله‌ی آن بوها را استشمام می‌کنم. گفتم: آیا زبان داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: طعم اشیا را می‌چشم. گفتم: آیا شما گوش دارید؟ گفت: آری. گفتم: از آن چه سود می‌بری؟ گفت: به آن صداها را می‌شنوم. گفتم: بسیار خوب، حالا بفرمایید دل هم دارید؟ گفت: آری. گفتم: دل برای چیست؟ گفت: به وسیله‌ی دل (مرکز ادراکات) آنچه بر حواس پنجگانه و اعضای بدنم می‌گذرد، تشخیص می‌دهم، اشتباههایم را برطرف می‌کنم و درست را از نادرست تشخیص می‌دهم. گفتم: مگر با وجود این اعضا از دل بی‌نیاز نیستی؟ گفت: نه، هرگز. گفتم: در حالی که حواس و اعضای بدنت سالم است چگونه نیاز به دل داری؟ گفت: پسر جان، وقتی اعضای بدن در چیزی که با حواس درک می‌شود تردید کند، آن را به دل ارجاع می‌دهد تا تردیدش برطرف شود. گفتم: پس خداوند، دل را برای رفع تردید اعضا گذاشته است. گفت: آری. گفتم: پس وجود دل برای رفع حیرت و تردید ضروری است؟ گفت: آری، چنین است. گفتم: شما می‌گویید خدای تبارک و تعالی اعضای بدن را بدون پیشوایی که هنگام حیرت و شک به او مراجعه کنند نگذاشته است، پس چگونه ممکن است بندگانش را در وادی حیرت و گمراهی رها کرده، برای رفع تردید و تحیرشان پیشوایی تعیین نفرماید؟ عمرو بن عبید پس از لحظه‌ای تأمل و سکوت، سر بلند کرد، به من نگریست و گفت: تو هشام بن حکم هستی؟ گفتم: نه. گفت: از همنشینان اوئی؟ گفتم: نه. پرسید: اهل کجایی؟ گفتم: کوفه. گفت: تو همان هشامی؛ سپس مرا در آغوش گرفت؛ به جای خود نشانید و تا من آنجا بودم، سخن نگفت. حضرت صادق (ع) از شنیدن داستان خشنود و شادمان شد و فرمود: هشام، این گونه استدلال را از که آموختی؟ هشام گفت: آنچه از شما شنیده بودم، تنظیم و چنین بیان کردم. حضرت فرمود: به خدا سوگند این مطلب در صحف ابراهیم و موسی نوشته شده است. [۱۴].

اکثریت دلیل حقانیت نیست

یکی از خصوصیات بارز این دانشمند برجسته صراحت لهجه و حاضر جوابی بود. او سخنان مخالف و موافق را می‌شنید و پس از

بررسی، نظر خود را آشکارا بیان می‌کرد. روزی ابو عبیده معتزلی به هشام گفت: دلیل درستی اعتقاد ما و بطلان اعتقاد شما این است که طرفداران ما بسیار و پیروان شما اندکند. هشام بی‌درنگ گفت: با این سخن ما را نکوهش نمی‌کنی؛ بلکه بر حضرت نوح خرد می‌گیری. او ۹۵۰ سال پیامبری کرد و شب و روز قومش را به سوی خدا فراخواند؛ ولی جز گروهی اندک به وی ایمان نیاوردند. بنابراین، اکثریت دلیل حقانیت نیست. [۱۵]. هشام، به عنوان یک پژوهشگر شیعی، سعی می‌کرد پرسشهای خود را با امام صادق (ع) در میان نهد و از آن حضرت پاسخ دریافت کند.

خواستگاری

روزی یکی از دوستانش به نام عبدالله بن زید اباضی، که از گروه خوارج بود، از دخترش فاطمه خواستگاری کرد و گفت: بین ما همیشه دوستی و محبت برقرار است برای تقویت این پیوند می‌خواهم دخترت فاطمه را خواستگاری کنم. هشام بی‌درنگ گفت: او زن با ایمانی است. عبدالله مراد هشام را دریافت و دیگر تقاضایش را تکرار نکرد. هشام با این جمله کوتاه به او فهماند که ازدواج یک زن با ایمان با مرد بی‌ایمان جایز نیست. [۱۶].

هشام ترازوی امامت و الگوی شیعیان

امام صادق (ع) می‌فرمود: هشام بن حکم مراقب و نگهبان حق ما و مؤید صدق ما و نابود کننده‌ی نظرهای باطل دشمنان ماست. کسی که از او پیروی کند، از ما پیروی کرده است و کسی که با او مخالفت کند، با ما مخالفت ورزیده است. [۱۷].

هشام در محضر امام کاظم

پایه‌های اعتقادی و شخصیت والای علمی هشام در مکتب امام صادق (ع) استوار شد. چون پیشوای ششم، در سال ۱۴۸ به شهادت رسید، هشام به امام کاظم (ع) روی آورد؛ از محضر آن معصوم والامقام کامیاب شد و در شمار شاگردان و یاران آن حضرت جای گرفت. او نزد هفتمین امام (ع) چنان جایگاهی یافت که تاریخ نگاران وی را از کارگزاران مطمئن و مورد عنایت خاص آن حضرت شمرده‌اند. [۱۸].

هشام بن حکم کارگزار خصوصی امام هفتم

امام هفتم (ع) به هشام بن حکم توجه خاص داشت و او را متصدی کارهای شخصی‌اش قرار داده بود. حسن فرزند علی بن یقظین می‌گوید: هرگاه حضرت موسی بن جعفر (ع) برای رفع نیازهای شخصی یا عمومی چیزی لازم داشت، به پدرم (علی بن یقظین) می‌نوشت: فلان چیز را خریداری یا تهیه کن و باید متصدی این کار هشام بن حکم باشد. عنایت حضرت به هشام چنان بود که پانزده هزار درهم به او وام داد و فرمود: با این پول تجارت کن، سودش را بردار و سرمایه را به ما برگردان. هشام پذیرفت و طبق دستور امام (ع) رفتار کرد. [۱۹].

امام کاظم به هشام دستور تقيه می‌دهد

هشام می‌گوید: امام هفتم برای من پیام فرستاد: در این ایام که مهدی (سومین خلیفه عباسی) بر سر کار است مواظب باش و از سخن گفتن پرهیز؛ زیرا خطر جدی تهدیدت می‌کند. هشام به فرمان امام (ع) عمل کرد و از خطر نجات یافت تا آنکه مهدی عباسی

در گذشت و بار دیگر اوضاع به حال عادی برگشت. [۲۰].

مقام علمی هشام بن حکم

شاگرد ممتاز مکتب اهل بیت (ع) نه تنها در علوم نقلی و عقلی سرآمد عصر خویش بود؛ بلکه هر گاه احساس می‌کرد حمایت از اسلام به تحصیل علوم دیگر نیاز دارد، با جان و دل در پی آن می‌شتافت و دانشی تازه می‌آموخت. او در مقام فتوا، یک فقیه پرهیزکار، در مقام مناظره و دفاع از اعتقادات شیعه یک متکلم ورزیده و در علم حدیث یک محدث ممتاز و مورد اعتماد راویان معروف شیعه بود. کتابهای حدیثی مختلف به رشته نگارش کشید و شاگردان بسیار تربیت کرد. متکلم مجاهد و خستگی ناپذیر قرن دوم هجری، علاوه بر فقه و اصول و کلام و فلسفه و علم حدیث، در علوم روانشناسی و سایر دانشهای رایج عصر خویش اطلاعات گسترده‌ای داشت. عبدالله نعمه می‌نویسد: یحیی بن خالد برمکی، وزیر هارون الرشید، با حضور دانشمندان مختلف، نشستهای علمی و تخصصی برگزار می‌کرد. در یکی از نشستها، که هشام بن حکم نیز حضور داشت، پس از گفتگو و بحث در موضوعات مختلف علمی، یحیی گفت: درباره‌ی «عشق» هم سخن بگوئید. حاضران هر یک در حد معلومات خویش مطالبی بیان کردند و سخنانشان به وسیله‌ی منشیان وزیر ثبت شد. وقتی نوبت به هشام بن حکم رسید، با بیانی شیرین مطالبی بیان کرد که حاضران بی‌اختیار لب به تحسین گشودند. [۲۱].

شاگردان هشام

چنانکه اشاره شد، هشام در پرتو انوار تابناک اهل بیت (ع) شاگردان بسیار تربیت کرد که بعضی از آنان گوی سبقت از همگان بودند. محمد بن ابی عمیر یکی از آنان شمرده می‌شود که مورد اعتماد و احترام علمای بزرگ امامیه قرار گرفته، از چهره‌های درخشان شیعه است. صفوان بن یحیی کوفی، حماد بن عثمان، یونس بن یعقوب، علی بن منصور و یونس بن عبدالرحمن از دیگر شاگردان هشام به شمار می‌آیند. یونس بن عبدالرحمن فقیهی نامور و یاور مخصوص امام کاظم (ع) بود. [۲۲] علی بن منصور در علم کلام دانشوری برجسته بود و درسهای توحید و امامت را در مجموعه‌ای با عنوان «تدبیر» گرد آورد. [۲۳]. امام صادق (ع) گاه شیوه‌ی بحث هشام را می‌ستود و می‌فرمود: این گونه استدلال در صحف ابراهیم و موسی (ع) آمده است.

تألیفات هشام

چهره درخشان مکتب ولایت، علاوه بر فعالیت‌های گسترده در دانش‌اندوزی و تبلیغ، حدود سی جلد کتاب در موضوعات مختلف علمی به رشته نگارش کشید. «الامامه» و جبر و اختیار در علم کلام و «الفاظ» در اصول فقه بخشی از یادگارهای آن دانشمند برجسته است. [۲۴].

شخصیت ممتاز شیعه در معرض اتهام

موقعیت و لیاقت هشام در محضر امام صادق و امام کاظم (ع) چنان بود که گروهی بدان حسد ورزیدند و شایعات گوناگون علیه او رواج دادند. متأسفانه این شایعات سودمند واقع شد و حتی بعضی از شیعیان نیز درباره‌ی اعتقادات هشام در تردید فرو رفتند. وقتی این نسبت‌های ناروا به اوج خود رسید، موسی مشرقی خدمت امام رضا (ع) حضور یافت و گفت: آیا هشام را دوست بداریم یا از او بیزاریم؟ امام رضا (ع) فرمود: هشام را دوست بدارید. وقتی که به شما چنین گفتم، عمل کنید. اکنون برو و به شیعیان بگو امام مرا به ولایت و دوستی هشام فرمان داد. [۲۵].

آخرین روزهای زندگی هشام بن حکم

یحیی برمکی در آغاز به هشام بن حکم اظهار علاقه می‌کرد و مدتی نیز وی را دبیر مجالس مناظره خود ساخت. او سرانجام از هشام رنجید و اسباب کشتن وی را فراهم کرد. انتقادهای هشام به آرای فلسفی یحیی بن خالد، مغلوب ساختن پیوسته‌ی وی در بحثها و نیز هراس وزیر از نزدیکی هشام به هارون علل اصلی دشمنی یحیی با هشام بود. روزی هارون گفت: دوست دارم در مجالس مناظره شما شرکت کنم؛ اما نه در حضور دیگران، بلکه در پشت پرده تا حاضران نظریات خویش را بی‌پروا بیان کنند. یحیی مجلس مناظره ترتیب داد و هشام را نیز دعوت کرد. هارون طبق برنامه‌ی قبلی پشت پرده نشست. وزیر که اندیشه انتقام در سر می‌پروراند با نقشه‌ی قبلی هشام را وارد بحث امامت کرد. هشام بعد از گفتگوی بسیار، گفت: «اگر امام مرا به جنگ فرمان دهد، اطاعت می‌کنم.»

منطق هشام طاعت زمان را می‌لرزاند

هارون با شنیدن این جمله، چهره درهم کشید و گفت: هشام مطلب را آشکار کرد. آیا با زنده بودن وی سلطنت من یک ساعت باقی می‌ماند؟ به خدا سوگند، اثر زبان این مرد در دلهای مردم از صد هزار شمشیر برنده‌تر و مؤثرتر است. [۲۶]. بی‌درنگ فرمان داد هشام را دستگیر کنند. هشام از گرداب خشم هارون به مدائن گریخت. از آنجا به کوفه رفت، در منزل ابن شرف پنهان شد و حدود دو ماه بعد جهان مادی را وداع گفت. حضرت رضا (ع) درباره او فرمود: خدا او را رحمت کند. بنده‌ای خیرخواه و دلسوز و یک انسان حقیقی بود. اصحابش بر او حسد بردند و آزارش کردند. [۲۷]. در پایان این نوشتار، بیان سفارشهای اخلاقی امام هفتم (ع) به هشام بن حکم بسیار مناسب می‌نماید: ۱- «یا هشام ان العاقل الذی لا یشغل الحلال شکره و لا یغلب الحرام صبره». ای هشام، عاقل کسی است که حلال او را از سپاسگزاری باز ندارد و حرام بر صبرش چیره نشود. ۲- «یا هشام ان العاقل لا یکذب و ان کان فیه هواه». [۲۸]. ای هشام، عاقل دروغ نمی‌گوید، هر چند دلخواهش باشد. ۳- «یا هشام لا دین لمن لا مروءة له و لا مروءة لمن لا عقل له. ان اعظم الناس قدراً الذی لا یری الدنیا لنفسه خطراً. اما ان ابدانکم لیس لها ثمن الا الجنة فلا تبيعوها بغيرها». [۲۹]. ای هشام کسی که جوانمردی ندارد، دین ندارد و کسی که عقل ندارد، جوانمردی ندارد. با ارزش‌ترین مردم کسی است که دنیا را برای خود منزلت و مقام با ارزشی نداند. همانا برای بدنهای شما بهایی جز بهشت نیست. پس آن را به غیر بهشت [و ارزاتر] نفروشید. ۴- «ای هشام، عاقل به کسی که می‌ترسد دروغگویش بخواند، خبر نمی‌دهد و از آنکه نگرانی مضایقه دارد، چیزی نمی‌طلبد و به آنچه توانا نیست، وعده نمی‌دهد و به آنچه در امیدواری‌اش سرزنش شود، امید نمی‌بندد و به کاری که می‌ترسد در آن درماند، اقدام نمی‌کند.»

پاورقی

[۱] تتمه المنتهی، ص ۱۵۵.

[۲] ارشاد مفید، ص ۲۵۴.

[۳] رجال شیخ طوسی، ص ۳۴۲.

[۴] معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۷۳.

[۵] هشام بن حکم، صفایی، ص ۱۴.

[۶] رجال نجاشی، ص ۴۳۳.

[۷] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۱.

- [۸] تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۰.
- [۹] تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۹۴.]
- [۱۰] لا تزال مویداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانک.
- [۱۱] قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۱۷.
- [۱۲] هزاره شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۴۲.
- [۱۳] یا هشام کلم الناس انی احب ان اری مثلکم فی الشیعه.
- [۱۴] کافی، ج ۱، ح ۳.
- [۱۵] همان؛ معجم الرجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۸۲.
- [۱۶] بحار، ج ۱۱، ص ۲۲۶.
- [۱۷] هشام بن حکم، صفایی، ص ۱۴.
- [۱۸] معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۷۱.
- [۱۹] رجال نجاشی، ص ۴۳۳؛ فهرست طوسی، ص ۳۵۵.
- [۲۰] عوالم، ج ۲۱، ص ۴۰۳.
- [۲۱] قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۲۴.
- [۲۲] هشام بن حکم، عبدالله نعمه، ص ۶۲.
- [۲۳] در مورد شرح حال او به مقاله‌ی نگارنده در شماره ۱۵ ماهنامه کوثر رجوع شود.
- [۲۴] هشام بن حکم، عبدالله نعمه، ص ۵۹.
- [۲۵] رجال نجاشی، ص ۴۳۳.
- [۲۶] جامع الرواه، اردبیلی، ج ۲، ص ۳۱۳.
- [۲۷] هشام بن حکم، صفایی، ص ۱۲۱.
- [۲۸] معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۸۱.
- [۲۹] اصول کافی، ج ۱؛ کتاب عقل و جهل، ج ۱۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

فانمید

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

